[illegible] تقلید کرده شد و تقلید نماید و [illegible] خواهد بود باب در اجتهاد و تقلید بدانکه انسان بالغ و عاقل

[illegible] قدرت بر [illegible] تحصیل [illegible] خود را که از شرع [illegible] رسیده بدو قسم [illegible] حاصل خواهد کرد [illegible]

[illegible] اجتهاد [illegible] برای بعضی ممکن نیست [illegible] اجتهاد و تقلید چنانچه بنای اکثر خلق برین است و

شرط [illegible] مجتهد [illegible] بلوغ و عاقل و ایمان و عدالت و [illegible] او

[illegible] مرتبه اجتهاد یعنی تحصیل احکام را از ادله شرعیه بطریقی که معتبر است نزد فقها تواند کرده [illegible]

[illegible] که [illegible] پس هر گاه مقلد علم بهم رسانید باجتهاد او ظاهر این است که کافی باشد

[illegible] و تقلید او [illegible] هر گاه ظن بهم رسانید باجتهاد او ظاهر این است که کافی باشد

مؤلف شیخ بهاء الدین [illegible]

کتاب جامع عباسی

جامع عباسی

مؤلفات مرحوم شیخ بهائی الدین

در جواز تقلید او هرگاه دو مجتهد عادل شهادت دهند با جتهاد و نیز کافیست و اگر مجتهد

فتوی دهنده در مسئله تقلید که اجتهاد کرده عمل کند برای خود و جایز است او را در این مسئله تقلید کردن

و اگر یک نفر عادل شهادت دهد باجتهاد و مفتی اگر مظنه حاصل شود حجت است هرگاه بنای مجتهد را در محل

فتوی دادن مردم جمعی بر واحاطه کرده باشند و تحقیق مسائل خود را از و کنند و جواب [illegible] ثبوت

ثبوت اجتهاد او است در صورتیکه فرض [illegible] هرگاه عامی مظنه بهم رساند [illegible] دلیلی و علمی [illegible]

یکی بهتر [illegible] فتوی ثانی عمل کند [illegible] تقلید مجتهد حی و جایز نیست تقلید مجتهد میت مگر در صورتیکه مقلد

در ایام حیات آن مجتهد [illegible] تقلید [illegible] کرده باشد حال که میت شده [illegible] مقلد که باقی

باند بر تقلید آن مج[illegible] [illegible] در ایام حیات او تقلید کرده [illegible] مجتهد مذکور کرده

در زمان حیات او [illegible] در آنها بفتوی مجتهد حی باید عمل کند و مقلد [illegible] بعضی مسائل تقلید مجتهد

حی کرده و در مسائل دیگر که تقلید نکرده می تواند رجوع بمجتهد دیگر نماید [illegible] احوط بلکه اقرب

و در آنچه تقلید کرده بر نمی تواند و هرگاه دو مجتهد بوده باشند یکی اعلم از دیگری [illegible] بلکه اقرب تقلید

اعلم است و در تقلید مجتهد مقلد را لازم نیست که فتوی و حکم از خود مجتهد بشنود بلکه بواسطه بشنود که مجتهد

درین مسئله فتوی او چنین است کافیست اگرچه بچند واسطه بمجتهد برسد لیکن عدالت در وسائط شرط است

و هرگاه رای مجتهد در مسئله برگردد و تا مقلد مطلع نشده بر و چیزی نیست و بعد از مطلع [illegible] که برگردد

و هرگاه بخواهد درین مسئله تقلید مجتهد دیگر را بکند میتواند و هرگاه قول مجتهد از خطا او معلوم شود در بالیقات و کتاب

او جایز نیست بر خلق که تقلید کردن در عمل بان و کسیکه بمرتبه برسد و تقلید [illegible] فتوی

دهد مگر آنکه فتوی را بگوید از فلان مجتهد است درین صورت هرگاه این اشخاص که این خبر فتوی را میدهند و آن

مجتهد را می شناسند و او را جامع الشرائط میدانند خبر دهنده را نیز عادل میدانند میتوانند عمل بقول او کرده

والله اعلم تمت تمام شد بسم الله الرحمن الرحیم چنین گوید اقل خلیقه حسن ابن علی [illegible] که چون از جناب

علام العلماء فخر المحققین و قدوة المجتهدین آقا سید محمد دام ظله العالی امر فرموده به ترجمه رساله العر[illegible]

و بعد از ترجمه آن جمع [illegible] مشتمل بر مسائل کثیره بود و فروع غریبه بود و باعتبار بسط [illegible] زیاده از فهم اکثر

عوام بود لهذا [illegible] فرموده بودند که او را نیز مختصر نمود و اقتصار بر مسائل ضروریه [illegible]

امتثال لامره العالی با تخاب [illegible] مسائل مهمه و فروع ضروریه از فتاوی ایشان پرداخته

او را رساله قرار داد چون [illegible] بود از اصل آن که معالج [illegible] مصباح [illegible] نموده و چون [illegible]

در بیان احکام طهارت و صلوة و صوم بود لهذا مشتمل بر سه مقصد قرار داد و مقصد اول در بیان طهارت

و آن مشتمل است بر سه باب باب اول در بیان وضو است و در آن چند فصل است فصل اول در بیان

امور یست که وضو بجهة آن واجب یا مستحب میباشد بدانکه واجب است وضو بجهة نماز واجب و

طواف واجب و بجهة مس کتابت قرآن بعضی واجب میدانند و آن حکم تو [illegible] کل است لیکن

حرام است مس آن بر محدث و مستحب است وضو بجهة اکثر [illegible] هرگاه مس کتابت آن

واجب شود بنذر و مستحب است وضو بجهة نماز مستحب و شرط صحت آن است و لا نماز مستحب بی وضو باطل است

و [illegible] آن وضو شرط آن نیز نیست و همچنین مستحب است بجهة مس کتابت قرآن و ذکر سنت باشد و

از برای دخول در مسجد و بعضی از مکان شریف را ملحق بمسجد کرده اند و مستحب است بجهة قرائت قرآن و جماع

کردن با زن حامله و بجهة خواب و طلب حاجت و بجهة دفن کردن میت و بجهة مسافری که خواهد به اهل

و عیال وارد شود و بجهة جنبی که خواهد جماع کند و مستحب است تجدید وضو بجهة نماز خواهد و تجدید وضو بجهة

خواه بوضوء اول نماز کرده باشد یا نه و در تکرر نمودن تجدید بجهة یک نماز اشکال است و اگر وضو

تجدیدی ساخت و بعد معلوم شد که وضو ندا شت قبل اگر نیت وجوب یا ندب نکرده بلکه

بقربت تنها اکتفا کرده بان وضو میتواند نماز کرد و اگر نیت مستحب بود پس اگر وضو سابق

وضوی سنت بوده نیز این وضو کافیست [illegible] بجهة سنت بوده [illegible]

بجهة نماز سنتی ساخت نماز واجب میتوان کرد و همچنین باوضو [illegible] بجهة قرائت قرآن و مثل آن از امور

که وضو بجهة آن مستحب است لیکن شرط آن نیست نماز واجب را نمیتوان کرد و مثل این است الجنه

و از مردم مستغنی میکردانم یعنی طلب دنیا کردن جهت پناه ای از سوال مردم یکبار عبادت است و آن مزید طاعات
و عبادات است چنانچه از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که من طلب الدنیا استعفافا عن الناس و
سعیا علی اهله و تعطفا علی جاره لقی الله عز و جل یوم القیمه و وجهه مثل القمر لیلة البدر
آنکه هر که طلب دنیا کند و منظورش در آن طلب این باشد که محتاج مردم نشود و متکفل معیشت عیال خود گردد
و در طریقه مهربانی ... وارد در روز قیامت خدای عز و جل را ملاقات کند در روی او مانند ماه شب چهارده
حضرت سید کاینات منقولست که العبادة سبعون جزءا افضلها طلب الحلال یعنی عبادت
بهترین اجزای طلب حلال کردن است و اخبار و آثار معنوی این گفتار در کتب معتبره حدیث مسطور است
جهت رعایت اختصار بهمین اکتفا نمود ... تمام طلب دنیا آنست که ... و ...
و ضلال و اسباب ... حلال کوشد و در جمع کردن مال بسیار ... و خلق ... 
این قسم نیز از اقسام طلب دنیا اگرچه فی الحقیقه حلال و مباح است اما ...
خسارتهای آخرت ... میگردد و جمع شدن ... هر ساعت ... و در ... کردن ...
بکند و وبال ... از ساحت ... و در ... ترقی ... حصول ... ادراک ...
... امواج افکارش سفینه دل را از ساحل آسودگی ... 
... عقول افسرده ... شود ... آتش حرص و آز ... 
و در و از ... بحکم حدیث نبوی منهومان لا یشبعان طالب علم و طالب ... آدمی ...
و دنیا ... در طلب دنیا و ... بسوزد ... از ... خارج ...
... اشتغال ... حرص و طمع ... خار ... 
... 
طلبه در کلیه

۲

پس چه بکار کند خودش نیز قابلیت آن ندارد که احکام الله را
... و آن او و اجماع علما و عقل کامل برهان آورد و پس واجب که
... مجتهد غیر تقلید مجتهد حی جامع الشرائط را کند و آن مجتهد باید که
... آن خود بوده باشد عاقل و بالغ اثنی عشری بوده باشد و اولاد آن
... دعوی را لا عقل داشته باشد ... مرتبه میانه
... که آن مخصوص خداوند عالمیان است و مخلوق در آن بهره ... هر که از
... شداد و ... پس بوده کافر ... مرتبه نهم
... مخصوص انبیاست که جمیع خاتم انبیا ...
... و مرتبه ... آن نیز عام نباشد بلکه مخصوص
... آن مرتبه نیز ... که ... نمایند و اما آن ... مرتبه دیگر
... اول انها که از همه بیشتر و کمتر مرتبه ... و ناجی ... از اهل
... علما ... دارد و آن تقلید است مرتبه دوم فقیه است مثلا هر گاه مقلد
... فهم رسانیده از ادله ... مقلد گویند مرتبه سیم متجزی است و متجزی ...
... در آن بعضی که اجتهاد نکرده تقلید میکند مرتبه چهارم اجتهاد است
... از ماخذ آن بر دلیل آورده و بذل جهد و استفراغ وسعی در آن کرده
... عمل بقول غیر نکنند و هر گاه از آن مرحله ترقی نموده بمرتبه پنجم رسید
که بعد از اجتهاد فتوی بدهد مردم که بقول او عمل نمایند و هر گاه از آن مرتبه نیز
برسد که از قضا ... برانکه بگویند بر هر یک از خصمان که این ... و آن
... و ابر اکر حکم آن بازگشت ندارد تا روز قیامت و ... عام حضرت
... که آن حضرت ... باره ... مرتبه ترقی نمو...

۲۱۰۲۷

۶۶/۱۱/۱۵

